

راز دو راهی

چاپ: مجله هنر موسیقی 1383

از يك جايي هر كس سر اين دو راهي قرار مي گيرد، شرق يا غرب؟

بويژه هنرمندان در ايران به واسطه نفوذ شديد غرب در امور اجتماعي وسياسي و هنري در قرون گذشته و قرن حاضر بيشتر خود را در سر اين دو راهي احساس کرده اند... اين مسئله بسيار آزار دهنده است که هنرمندي پس از سالها تلاش با اين مواجه شود که يا اين همه تلاش بيهوده بوده و يا به بي هويتي متهم شود... يعني يا شرق زده شود يا غرب زده...

من نيز به عنوان يك آهنگساز رنج اين كاسه چه كنم را تجربه کرده ام و اين نکته به ذهنم خطور کرد که شايد رازی در میان باشد. رازی ساده مثل همه رازها. رازی که شايد تطابق عملي بخشي از فلسفه هگل باشد با زندگي در معنای عام... نظريه روح بشریت يك نکته دارد و آن جنسیت است، بشریت تصوير كلي از انسان و عملکردهايش مي باشد، پس بايد تجلي آن هم مؤنث باشد و هم مذکر چرا که انسان در معنای خاص داري جنسیت است...

راز دوراهي اين است که شرق و غرب خواستگاههايي براي دو جنس روح بشر مي باشند، شرق مؤنث است و غرب مذکر... تجلي زنانه روح بشر شرق است و تجلي مردانه اش غرب... اگر اين پيش فرض به سادگي بپذيريم، چرا که توجيه فيلسوفانه آن از تخصص بنده به عنوان يك آهنگساز خارج است، مي توان بسيار تضادها را حل کرد و بسيار سوالات را در قلمرو هنر پاسخ داد. همه ويژگيهاي روحي يك زن با دنياي شرق تطابق مي يابد و همچنين ويژگيهاي مرد با غرب، ضمناً داستان تاريخي جنگهاي زن و مرد و بازبهاي آندو نيز الگويي با معنا در روابط شرق و غرب پيدا ميکند... از آنجا که براي تعبير عيني تري از خصوصيات زن و مرد و يا شرق و غرب به يك صفت بنيادي نياز داريم لذا از دو الگوي هندسي براي درك دقيقتر ماهيت آندو استفاده ميکنيم، دو الگوي بنيادي دايره براي شرق و مربع براي غرب، البته شايد در حالت سه بعدي کره و مکعب مستطيل تجسم شوند.

حال بياييد ويژگيهاي دايره و مربع را بررسي کنيم... دايره مادر هستي ست، دايره نشانه زائيش است، نشانه تماميت است. نشانه نقطه اي است که از خود فراتر رفته است، دايره دمدمی مزاج است، دايره پر از حرکات پيش بيني نشده است، دايره زيباست، دايره پر از احساس است، دايره عاشق است، دايره به راحتی به بيضي نزديک مي شود، دايره داراي عددي ثابت و مشترك است، دايره پر رمز و راز است... دايره نمادي از عدم قطعيت مي باشد.

حالا در شرق به دنبال دايره بگرديد، بسيار مي باييد به دنبال خصوصيات دايره بگرديد، بسيار مي باييد...

هنر شرق هنري زنانه است، هنري دوار پر از رمز و راز، از آسيا دور گرفته تا خاورميانه همه و همه دوايري دفرمه و مبهم، ... معماري شرقي، گنبدهاي دوار، طاق هاي نيم دايره از معبدهاي چيني گرفته تا مسجدهاي عربي و ايراني، ...

اگر چه شرق و غرب از يکديگر متاثر بوده اند اما به هر حال عنصر دايره و به عبارتي عدم قطعيت در هنر شرق فراوان است. مينياتور مملو از خصوصيات زنانگي و اشكال مؤنث، رنگهاي زنانه، ظرافت زنانه، ... صورتهاي مردان با صورتهاي زنان فقط در سبيل وریش تفاوت دارند! حرکت ها موج و غير قابل پيش بيني رنگهاي غير واقعي و اغراق هوس انگيز در طراحي، ... خط و زبان شرقي نيز همينگونه، عنصر دايره و حرکات موج نزديک به هم چه در نوشتن حروف، چه در تلفظ بسيار مشهور است، و در موسيقي که به سادگي يافته مي شود، ربع پرده، ربع پرده هايي که واقعاً ربع پرده نيستند، عدم قطعيت، اشوه مؤنث وار در فواصل موسيقي، ملوديهاي موج و يکنواخت، ... ساختمان سازهاي شرقي، ... تاروسه تار، کمانچه و تنبک و دف همه و همه دوار هستند و بسيار رفتار و حرکات زنانه در ساختمان آنها ديده مي شود، (شرق زادگاه مکتبهاي موج و مرموز، مکتبهاي مبهم و دوار) ادبيات مبهم، اشعار پر رمز و راز، ادبيات متافيزيکي و اسطوره اي.

حال برويم مربع را بررسي کنيم، مربع نمادي از تفکر، نمادي از حرکتهاي حساب شده، نمادي از عقل و منطق، نمادي از توازن و مقاومت، نمادي از حالات مختلف، نمادي از يك مرد، نمادي از قطعيت، غرب پر از مربع است مگر آنجا که از شرق تاثير پذيرفته باشد، ...

معماري قاطع و مربع وار، حرکات دقيق، زوایاي منطقي، نقاشي واقع گرا، طبيعت گرا، طراحي قاطع و منطقي رنگهاي واقعي، خطوط مذکر و قاطع...

ادبيات واقعي، رمان و داستان، درام و تراژدي اشعار واضح و بي رمز و راز، ... و موسيقي، موسيقي بسيار آکادميک و مشخص، فواصل قاطع و بي ترديد، ملوديهي و ريتم هاي مشخص و قابل پيش بيني، موسيقي که همه چيزش حساب شده است و محصول تفکري مردانه.

بررسي هر شاخه و زير شاخه از موارد بالا که تنها فهرست شده اند يك دنيا مطلب در برخواهد داشت، اما قصد من قضاوت بين شرق و غرب است نه بررسي آندو، ...

حال اگر قانع شديد که شرق مؤنث است و غرب مذکر، اگر خواننده اين سطور زن هستيد غرب همان مرد مقابل شماسست و اگر مرد، شرق زن مقابل شما، به ويژگي هاي روابطتان دقت کنيد، ... اين داستان تاريخي بازپهاي زن و مرد، حق کشي هايي که در مورد زنان اتفاق افتاده و مي افتد، همان استعمار و استثمار غرب در شرق را به خاطر مي آورد، ... تنازعي که بين دوشکل دايره و مربع وجود دارد، مربع با راسهاي نوک تيزش دايره را تهديد مي کند، ...

در شرق و غرب برای حل تنازعی تاریخی راه کارهایی تجربه شده اند و میشوند، حال سعی می کنیم به اجمال آن راهکارهای موجود را بررسی کنیم تا شاید بتوانیم موضع خود را بهتر درک کنیم و تصمیم نهایی را سر دوراهی بگیریم.

اولین راه کار ساده ترین آن است تقلید،

در حلت بسیار روشنفکرانه ایده تبدیل دایره به مربع در شرق و ایده تبدیل مربع به دایره در غرب شکوفا شد، همان غربزدگی و شرق زدگی . " لطفاً پای تهاجم فرهنگی را در میان نکشید که مقوله ای من در آوردی و بسیار متفاوت با بحث ماست."

در این راهکار هنرمندان ، صنعت گران و یا سیاستمداران و به هر حال هر قشر روشنفکر جامعه تغییر ماهیت می دهند و نهایتاً به تقلید و کپی برداری از دیگری میرسند، ... در صد بسیاری از این راهکار وارد شده اند و میشوند... چرا که اولین چیزی ست که به ذهن خطور میکند و امری بدیهی ست، ... اما نتیجه رضایت بخش نیست چرا که تنها تنازع را تشدید میکند در لحظات حساس نتیجه درست بر عکس آنست که باید باشد.

راهکار دیگر که شاید نتیجه مشاهده و تجربه مشاهده و تجربه راه کار اول باشد تعصب است، یعنی دایره بر دوران و مربع بر اربع خود تاکید و ضمناً برای هم شاخ و شانه می کشند،... یعنی روشنفکران شدیداً با همترازان مقابل خود دشمنی دارند و یکدیگر را انکار می کنند. این راهکار نیز بسیار تجربه شده و هم اکنون در جامعه ما چه در امور سیاسی چه در امور غیر سیاسی شدیداً کاربرد دارد.

نتیجه را هم که میتوان حدس زد.

نکته جالب که اروپاییان در تنازع با آفریقاییان در قرون گذشته " آفریقا شباهت هایی با شرق دارد " خود این دو راهکار را به

ایشان پیشنهاد کردند، در اوایل دوران برده داری آفریقاییان به مرز تهدیدی جدی در کپی برداری از فرهنگ غرب رسیدند، غریبان راهکار تعصب را در بین آنها تشویق کردند، یعنی می گفتند هر چه شما در گذشته داشته اید، هر چه سنت در قبایل شما بوده با ارزش است، بروید دنبال هویت اصلی تان، شما نباید از ما تقلید کنید... خودتان باشید... همان چیزی که اینجا هم کم و بیش می شنویم.

اما غریبان خود راهکار دیگری نیز کشف کردند که در ایران هنوز تجربه نشده است، آن راه کار بازسازی است، یعنی روشنفکران و هنرمندان غرب با چیدن مربعهای متعدد و کنار هم یک دایره را بازسازی کردند! آنچه در غرب بویژه در هنر 20 غرب رخ داد نتیجه همین راهکار بود، خلق آثار مبهم، مروز، اتونال عدم وضوح و عدم قاطعیت بازگشت به گذشته های دور، ... محصول نوعی تلقی از هنر شرق اصالت و اعتبار بیشتری داشت تا زیبایی در هنر معاصر غرب، چرا که به هر حال آن دوایر از تعدادی مربع ساخته شده بودند... اما از این راهکار آنگونه که باید در هنر شرق استفاده نشده است، حداقل در ایران، مثلاً در علم و صنعت ژاپنی ها از این راهکار سود جسته اند، آشتی سنت های خود با دنیای مدرن...

به هر حال در ایران ما یا تعصب داریم یا تقلید می‌کنیم، یا می‌خواهیم به زور فرهنگمان را عرضه کنیم یا می‌خواهیم موسیقی سنتی را هارمونیزه کنیم... البته نکته اخیر را هرگز با راهکار بازسازی اشتباه نگیرید، چرا که دقیقاً معنی کپی برداری دارد نه بازسازی.

هامونی و هرچه در موسیقی غرب است مربع است، ما با هارمونی کردن موسیقی سنتی فقط دایره خود را با چکش به یک چیز شبیه مربع نزدیک می‌کنیم... ماهیت موسیقی را عوض می‌کنیم. ماهیت آن نه دایره خواهد بود نه مربع... راهکار بازسازی شرقی در واقع مواد اولیه را از دایره می‌گیرد ولی نتیجه مربعی بسیار پیچیده است.

به هر حال راهکار بازسازی در غرب تا حدودی راهگشا بوده است اما تضمینی برای سلامتی آن وجود ندارد، ضمناً نتیجه آن در شرق هم واضح نیست، نکته مهم افت استاتیک هنر در این راهکار می‌باشد. و آخرین راهکار که هنوز تجربه نشده است و نتیجه بررسی راهکارهای موجود است تزویج است. ایده همسو کردن مربع و دایره درون مربع یا بر عکس. الگویی متوازن و امن برای هر دو. تصور نتیجه بسیار دشوار است اما تنها راهکار باقی مانده ظاهراً تزویج است.

آرش اعلائی

arasha33@gmail.com

1383- بهمن ماه